

فابریزه

خانواده "فابریزه" اصالت فرانسوی داشتند در سال ۱۸۰۰ میلادی به دلیل انتخاب مذهب پروتستان از طرف لویی چهارم تحت تعقیب بودند به ناچار و برای حفظ جان خود مجبور به ترک فرانسه شدند و به شرق اروپا گریختند نام اصلی کارل فابریزه، پیتر کارل بود. در سال ۱۸۴۶ از پدری مهاجر و مادری دانمارکی متولد شد. دوران نوجوانی کارل فابریزه در مدرسه آلمانی سن پترزبورگ سپری شد. پدرش یک مغازه جواهرفروشی کوچک در محله‌ای خوب داشت در سنین جوانی کارل فابریزه این شانس را داشت که برای یادگیری جواهرسازی به کشورهای فرانسه، ایتالیا و آلمان سفر کند. هنر حکاکی روی سنگ را مدیون دوره کارورزی که در فلورانس گذرانده بود می‌دانست. در سن ۲۶ سالگی به سن پترزبورگ بازگشت و خیلی زود مدیریت فروشگاه پدر را به عهده گرفت. در سال ۱۸۸۵ تزار روسیه الکساندر سوم به فابریزه سفارش ساخت هدیه‌ای به مناسبت عید پاک داد، هدیه باید خاص و منحصر به فرد می‌بود به طوری که باید همسرش "ماریا فودورفنا"، را تحت تأثیر قرار می‌داد، هدیه آماده شد و در ظهر عید پاک بعد از صرف ناهار با اشراف، در کاخ کرملین به ملکه داده شد، ملکه با چشمان متعجب تخم مرغی از جنس طلای زرد می‌دید که با مینای سفید رنگ مات پوشیده شده بود طول آن که تقریباً اندازه یک تخم مرغ واقعی بود اما این همه ماجرا نبود درون تخم مرغ مجسمه مرغی از جنس طلا وجود داشت با چشمانی از جنس یاقوت، این خاص‌ترین هدیه‌ای بود که تا آن زمان یک ملکه دریافت کرده بود.

هدیه ای که به وسیله فابریزه ساخته شده بود، تمام افرادی که در مهمانی بودند را تحت تأثیر قرار داد و باعث تحسین همه حضار شد بعدها ملکه در نامه‌ای به خواهرش گفته بود که «فابریزه جواهرسازی بی‌نظیر است و از نظر او یک نابغه است».

از همان سال ۱۸۸۵ فابریزه تبدیل شد به تأمین‌کننده رسمی جواهرات دربار در حقیقت شروع موفقیت‌های فابریزه از عید پاک همان سال شروع شد و فابریزه موفق شد استاد کارهای مختلف را در تمام روسیه در کارگاه خودش جمع کند. کارگاه او مجموعه‌ای بود که هر کدام از آنها که در زمینه‌های مختلف تخصص داشتند در کارگاه او کار می‌کرد افرادی مانند "کولین"، "پرچیت"، "ویگستروم" هر کدام از اینها تیم خود را داشتند که شامل افراد ماهری در زمینه‌های مختلف می‌شد در انتهای این زنجیره، از کارورها استفاده می‌شد که نوجوانانی بودن که عمده فعالیت آنها جارو زدن زمین و قرار دادن هیزم در زیر دیگ بخار بود، از ویژگی‌های کارگاه او این بود که امکان استفاده افراد از فضا، مواد اولیه و ابزار بصورت رایگان وجود داشت.

هم زمان با استخراج گاز و ایجاد خطوط راه آهن روسیه در زمینه‌های مختلف رونق را تجربه میکرد و این به این معنا بود که افراد ثروتمند جدیدی ظهور پیدا می‌کردند، این افراد به دنبال تجمل بودن و همین امر باعث رونق کارگاه فابریزه شد بطوری که نمایندگی در شهرهای مختلف تاسیس کرد. شعبه اصلی در سن پترزبورگ در خیابان "بولشایامورس کابا" قرار داشت، ساختمان چهار طبقه ای بود که، در طبقه اول خرده فروشی قرار داشت و در طبقه دوم فرآیند ساخت و تولید اتفاق می‌افتاد، طبقه سوم مخصوص سفارشات پستی بود و طبقه چهارم دفتر کارل فابریزه قرار داشت فقط مشتریان خاص امکان ملاقات با او را داشتند و تصمیم نهایی در مورد محصولات در این طبقه گرفته می‌شد، بر روی میز او چکشی وجود داشت در صورتی که کاری توجه آن را جلب نمی‌کند با آن چکش آنرا از بین می‌برد.

فابریزه محصولات گوناگون در زمینه‌های مختلف تولید می‌کرد، از جعبه‌های سیگار گرفته تا ساعت و شیشه‌های عطر، از قاب آینه تا دسته‌های عصای جواهر نشان.

او می‌دانست مشتری‌ها چه چیزی می‌خواهند فابریزه بسیار هوشمندانه مدیریت می‌کرد، یکی از کارهایی که انجام می‌داد دریافت و ارسال سفارشات با پست بود چیزی که در آن زمان بیشتر شبیه انقلاب در تجارت جواهرات بود هر ساله فابریزه با ساختن تخم مرغ‌های عید پاک تزار روس و همسرش را تحت تأثیر قرار می‌داد، اتفاقی که هر ساله رخ میداد ساخت تخم مرغ‌های باشکوه تر و مجلل تر بود. ارتباط فابریزه با دربار به قدری مستحکم شده بود که با فوت الکساندر

سوم در سن ۴۹ سالگی در اثر نارسایی کلیه، نیکولاس دوم که بجای پدر، تزار روسیه شده بود رویه سفارش های عید پاک به فابریزه را ادامه داد. در سال ۱۸۹۷ فابریزه با خلق یکی از معروف ترین تخم مرغ های خود خاطره تاجگذاری تزار جدید را زنده کرد.

تخم مرغ تاجگذاری با سطحی مینا کاری شده به رنگ زرد لیمویی نیمه مات بود. فابریزه می توانست در ۱۴۲ رنگ مینا کاری کند و این در حالی بود در بین جواهرسازان قبل و بعد از آن اتفاق نیفتاده بود. گرچه ظاهر آن شاهکار زیبایی بود اما اتفاق اصلی در درون آن بود، کالسکه ای مینیاتوری از کالسکه ای که تزار با آن به محل تاجگذاری رفته بود، پنجره های آن از جنس کریستال بودن و به قدری استادانه ساخته بود که با چرخاندن دستگیره های کوچک در می شد درب های کالسکه را باز کرد.

در میان مهمانان افرادی از خانواده سلطنتی بریتانیا بودن و این سرآغازی بود از همکاری فابریزه و دربار انگلیس، نتیجه این همکاری افتتاح یک شعبه در لندن بود. در این شعبه سفارش های دربار انگلیس نیز انجام میشد از مجموعه سفارش هایی که ادا در هفتم به فابریزه داده بود می توان به مجسمه ای از سگ ادرارد اشاره کرد. «سزار» سگ ادروارد بود و مجسمه ای از آن از جنس سنگ یمانی سفارش داده بود چشمانی از جنس یاقوت، با قلاده ای از جنس طلای زرد که جمله ای روی آن نوشته شده بود «من از آن پادشاهم» دقیقاً شبیه جمله ای که بر روی قلاده سزار وجود داشت.

در سال ۱۹۰۰ از فابریزه دعوت شده بود که در نمایشگاه طلا و جواهرات پاریس شرکت کند، همسر تزار اجازه داد که سه عدد از تخم مرغ های عید پاک در اختیار فابریزه برای نمایش در غرفه خودش قرار بگیرد، در روز آخر دعوت شد که او یکی از داوران باشد و در نهایت آن روز عالی ترین نشان فرانسه یعنی نشان لوژیونور دونور به او اهدا شد و اتحادیه جواهرسازان پاریس به او لقب متیخ Maitre به معنی استاد دادند. مهارت او در تولید محصولات به حدی رسیده بود که ساعت هایی تولید می کرد که در هر ساعت یک زنگ مخصوص می زد و درون آن پرنده ای آواز خان قرار داشت که نوک و بال های خود را تکان می داد.

در سال ۱۹۰۱ تزار روسیه نیکولاس دوم تخم مرغ یک سبد گل را به همسرش الکساندرا داده بود، تخم مرغ های فابریزه دیگر یک حجم تخم مرغی شکل با جواهرات تزیین شده نبودند، تبدیل شده بودن به شاهکاری هنری در نهایت زیبایی این تخم مرغ در برگزیده گل هایی بود از گیاهانی که در بهار و تابستان در روسیه شکوفه می دادند.

جواهرساز فرانسوی "کارتیه" سه سال بعد با الهام از کارهای فابریزه شروع به تولید گل ها و حیوانات جواهر نشان کرد و از مینا کاری به تقلید از کارهای فابریزه استفاده کرد.

شمشیر جواهر نشان برای پادشاه حبشه و انگشتری که بوسیله تزار به دالای لاما هدیه داده شد، محصولاتی از فابریزه بود که برای تاج داران جهان تولید می شد. با اینکه سال های ۱۹۰۴، ۱۹۰۵ سال های پر رونق برای کسب کار برای فابریزه بود با این وجود در این سال ها هیچ تخم مرغی عید پاکی ساخته نشد روسیه درگیر جنگ با ژاپن بود در این جنگی که در جنوب اقیانوس آرام در حال وقوع بود تقریباً تمامی ناوگان دریایی روسیه از بین رفت از سال ۱۹۰۶ سفارش تخم مرغ های عید پاک دوباره از سر گرفته شد.

در ۱۹۱۴ روسیه با فرماندهی نیکولاس دوم وارد جنگ جهانی اول شد در سال های جنگ جهانی بر خلاف سال های جنگ با ژاپن، سفارش های تخم مرغ عید پاک ادامه پیدا کرد. تخم مرغ عید پاک ۱۹۱۶ نشان دهنده بلوغ کارل فابریزه می باشد به گفته Fabergé Toby نویسنده کتاب تخم مرغ های فابریزه هر تخم مرغی صندوقی بیان کننده از اتفاقات دوران خودش است.

در سال ۱۹۱۶ تخم مرغ ارتش پولادین ساخته شد این تخم مرغ با ظاهر سیاهش بسیار متفاوت از هدیه های عید پاک است. سوپرایز درون آن نقاشی آبرنگی بر روی عاج فیل است که با قابی از جنس طلا و الماس تزیین شده است، نقاشی در برگزیده تصویری از تزار و فرزندش در جمع بزرگان در میدان جنگ است.

یکی از عواملی که باعث منحصر به فرد شدنش است این بود که، این آخرین تخم مرغ ساخته شده می باشد. تخم مرغ ۱۹۱۷ نیمه کاره ماند و هرگز کامل نشد. این اثر به همراه ۹ تخم مرغ دیگر تنها تخم مرغ های عید پاک هستند که در خاک روسیه وجود دارند محل نگهداری آنها ساختمان کرملین می باشد که بعداً از آن ساختمان برای موزه استفاده شد.

بخش اعظمی از تخم مرغ‌ها به وسیله استالین بطور مخفیانه فروخته شد از مجموعه ۵۰ تخم مرغ فابریه هفت عدد از آنها تا امروز مفقود هستند. بعد از انقلاب به دلیل نزدیکی فابریه به دربار خطراتی او را تهدید می‌کرد به همین دلیل فابریه تصمیم به فرار از روسیه گرفت. همسر و پسر کوچکتر او بوسیله سورتمه از فنلاند به سمت سوییس سفر کردند و فابریه به دلیل نزدیکی به دربار انگلیس توانست با پوشش دیپلمات انگلیسی بوسیله قطار به سمت غرب برود و سرانجام در ۲۴ دسامبر ۱۹۲۰ در سن ۷۴ سالگی در لوزان سوییس در گذشت و جسد او برای دفن به فرانسه برده شد. در سال ۱۹۳۰ در حالی که جهان شناخت چندانی از آثار فابریه نداشت تخم مرغ ۱۸۸۵، اولین تخم مرغی که برای تزار ساخته شد با قیمت ناچیز ۸۵ پوند در حراجی کریستی فروخته شد و این در حالی اتفاق افتاد که ۷۳ سال بعد تخم مرغ عید پاک سال ۱۹۰۲ به قیمت ۸,۹۰۰,۰۰۰ پوند در حراجی فروخته شد.